

زار زدایی» در جنوب ایران ۴۰۰ هزار تومان آب می خورد

اهل هوا، چوب ها را به هم می کوبند. زن ها دم نمی زنند. «دمام» ها صدای بم شان را در فضای محقر اتاق رها می کنند.

شکوفه آذر

اهل هوا، چوب ها را به هم می کوبند. زن ها دم نمی زنند. «دمام» ها صدای بم شان را در فضای محقر اتاق رها می کنند.

«مرکب»، با صدای بالا و پایین سازها، تکان تکان می خورد. کسی صورت او را نمی بیند. کسی سکوت را نمی شکند.

صدای سازها به اوج می رسد. به اوج. ماما زار با لهجه ای بین عربی و سواحیلی و فارسی، می گوید: «ای باد، ای زار، خودت را به ما نشان بده. ای باد، ای زار. ای باد، ای زار.

باد، زار، روح، جن در جنوب ایران معانی ملموسی دارد. مردم می دانند که هر آن ممکن است باد یا زاری در آنها نفوذ کند و

آنها تسخیر و مرکب باد و زار شوند. باد، زار، روح و جن در جنوب ایران، فقط برای فقرا تهدید آمیز است. ثروتمندان تسخیر نمی شوند.

آخرین نشست انجمن انسانشناسی که هر دو هفته یک بار در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران برگزار می شد، این بار

به «موسیقی و درمان سنتی در جنوب ایران» اختصاص داشت. ساسان فاطمی، دانشجوی دکتری «انوموزیکولوژی»

(مردمشناسی موسیقی) در فرانسه، سخنران این جلسه بود. زار و باد، روح و جنی هستند که به اعتقاد مردم بلوچ و میناب،

بندر عباس، خمیر تا بندر لنگه، بندر بوشهر و تمام آبادی های جزایر باب هرمز و حتی تا داخل خوزستان در بدن فقرا حلول می کنند و آنان را آزار می دهند.

مراسم باد زدایی، زار و گواتی مراسمی است که از زمانی دور در جنوب ایران، تحت تاثیر مهاجران افریقایی به این منطقه،

رواج یافت. تعداد ایرانیانی که به طور جدی و تخصصی درباره فرهنگ، موسیقی، مردمشناسی و رقص این آیین قدیمی،

تحقیق کرده اند، بسیار اندک است. البته مستند سازان در این میان بیش از دیگر کارشناسان، در این زمینه فعالیت داشته اند

و فیلم های متعددی از این مراسم در گوشه و کنار ساخته و به نمایش در آمده اند. در نشست «موسیقی و درمان سنتی در

جنوب ایران» نیز، فیلم مستندی از این مراسم به نمایش گذاشته اند. تاریخ مطالعه درباره این مراسم در ایران، ظاهرا به

غلامحسین ساعدی، داستان نویس، و نویسنده کتاب «اهل هوا» منتشر شده در سال ۱۳۵۵، باز می گردد. پس از او علی

ریاحی در سال ۱۳۵۶ کتابی با نام «زار و باد و بلوچ»؛ در سال ۱۳۶۱ منتشر کرد. محمد کاظم توکلی نیز کتابی با نام «مسلمانان مورو، تاریخ اجتماعی مسلمانان فیلیپین» نوشته است. به جز اینها می توان به دو مقاله در دایره المعارف بزرگ اسلامی با مدخل های «اهل هوا» و «ام صبیان» نوشته علی بلوکباشی، اشاره کرد که پژوهش هایی است حول منسک زار زدایی. اما در دنیا، اسطوره شناسان، روانشناسان و مردم شناسان هر یک با رویکرد تخصصی خود، به مناسک و آیین های مشابه زار زدایی در جهان از جمله امریکا، هند و افریقا پرداخته اند. از جمله می شود به مطالعات اسطوره شناختی میرچا الیاده، درباره شمنیسم و جادو درمانی، تحقیق کارل یاسپرس، فیلسوف آلمانی درباره تسخیر شدگان ارواح و اجنه و آثار دونالد مکنزی، ام. ای. لوییس؛ ریموند فرث و وینسنت کراپانسانو اشاره کرد. در زیر به اختصار برخی اصطلاحات مربوط به این مناسک را می خوانید:

«زار» و «باد»: جن یا ارواح خبیث و غیر خبیثی هستند- که در شرایطی ویژه که هنوز دقیقا جزئیات آن مشخص نیست - در زنان و مردان حلول می کنند و موجب بروز رفتارهایی غیر طبیعی یا دردهای گردشی در بدن می شوند. بادها و زارها، انواع متعددی دارند. که هر کدام دارای مشخصات و علائم خاص خود هستند.

بادها و زارها به دو دسته کافر و مسلمان تقسیم می شوند. مسلمان ها اغلب رام و کافر ها بدقلق هستند. «ماما زار» و «بابا زار»: مرد یا زنی هستند که خود بارها و بارها تسخیر شده اند و از تسخیر شدگی بیرون آمده اند. این مرد یا زن پس از این که باد و زار را از بدن خود بیرون رانند، بر آنها مسلط می شوند و از آن پس تقریبا به طور مداوم با بادها و زارها در ارتباط هستند. این زن یا مرد به مرحله ای می رسند که می توانند درمانگر باشند. یعنی دیگران را که به زار مبتلا شده اند، درمان کنند.

«اهل هوا»: جمع یا گروهی هستند که زمانی باد و زار در آنها حلول کرده و سپس از بدن آنها خارج شده است. این افراد اگرچه با دیگر مردمان تفاوت رفتاری خاصی ندارند، اما باید آداب و قواعدی را رعایت کنند که دیگران لزومی در رعایت آن ندارند. همین طور این افراد خود را دارای توانایی ویژه ای می دانند که آن تجربه تسخیرشدگی است. به عبارتی اهل هوا خود را متعلق به یک گروه خاص (شبه کاست) می دانند.

«مرکب»: به زبان محلی جنوب ایران، به کسی گفته می شود که زار یا باد در او حلول کرده و به نوعی مرکب باد شده اند. «تسخیر شده»: همان مرکب است. یعنی کسی که باور دارد که باد یا زار در او حلول کرده است.

«دودخور»: ماما زار یا بابا زار، آمیخته ای از گیاهان وحشی و دارویی را در ظرفی مخصوص دود می کند و شخص مرکب را با آن بخور می دهد.

«وجد»: مرحله ای است که شخص تسخیر شده، یکی از اهل هوا، در اثر شنیدن موسیقی در مراسم باد زدایی، از خود بی خود می شود و نهایتاً در حین حرکات ریتمیک، باد یا زار از بدن آنان با تکان های شدید، بیرون می رود.

«زار زدایی»، «باد زدایی» یا «گواتی»: مناسک یا آیینی است که ترتیب داده می شود تا در حضور دیگر اهل هوا، با کمک و

هدایت ماما زار یا بابا زار، زار و باد به بدن شخص تسخیر شده، دوباره حلول کند. پس از حلول یا فرا خواندن زار در بدن

شخص تسخیر شده، ماما زار یا بابا زار از او می خواهند که خواسته اش را از مرکب اعلام کند. پس از اعلام این خواسته و

وعده ماما زار یا بابا زار به انجام آن خواسته، از او می خواهند که برای همیشه از بدن شخص بیرون برود.

ساسان فاطمی در آخرین نشست انجمن انسان شناسی دانشگاه تهران با اشاره کوتاهی به مفاهیم این مراسم، به تشریح

جزئیات این آیین پرداخت و گفت:

زار زدایی، باد زدایی یا گواتی آیینی قدیمی است که از مدت ها پیش - زمان دقیق آن هنوز مشخص نیست - در جنوب

ایران اجرا می شود. آنچه که امروز مشخص شده این است که این آیین به وسیله برده های افریقایی که به ایران آورده شده

بودند، به ایران آمده است. این منسک، با اجرای مداوم سیاهان افریقایی در ایران اندک اندک آنقدر رواج یافت که حتی سفید

پوستان ایرانی نیز به مرور خود را مرکب این بادها و جن ها دیدند. در ابتدا این آیین یا رسم فقط به وسیله سیاه پوستان

افریقایی الاصل اجرا می شد. زارها و بادها انواع متعددی دارند. به روایت خود «اهل هوا» این تعداد به سیصد و اندی می

رسد. برخی از این بادها خبیث و برخی دیگر کم آزار هستند. برخی از این بادها دیر مرکب خود را رها می کنند یا هرگز نمی

کنند. برخی دیگر زود. برخی از بادها خواسته کمی از مرکب خود دارند و قانع هستند، برخی دیگر خواسته زیادی دارند. برخی

از بادها برای همیشه مرکب خود را رها می کنند و برخی دیگر گاه به گاه به سراغ مرکب خود می آیند.

شخصی که به دلایلی زار یا باد در او حلول می کند، دچار عوارض خاصی می شود. سر دردهای لاعلاج، دندان دردهای

عجیب، پا دردها، چشم دردها و دل دردهایی که پزشکان نمی توانند آن را درمان کنند. گفته می شود که این دردها به

صورت دورانی در بدن شخص می چرخد. یعنی از چشم درد شروع می شود و به سر، پا، دل، دست و ... می رسد. مردم اندک

اندک به شخص می گویند که او تسخیر شده است و مرکب یکی از بادها شده است و خدا کند که باد سر به راهی باشد و او

را زیاد آزار ندهد. شخص را نزد ماما زار یا بابا زار می برند. او از شخص مرکب اگر مرد باشد، یک زیر پیراهنی و اگر زن باشد

– که اغلب این طور است – یک روسری می گیرد و شب زیر متکای خود می گذارد. شب هنگام باد مربوط به سراغ ماما زار یا بابا زار می رود و به او می گوید که کیست و از ماما زار یا بابا زار می خواهد که برایش سفره ای انداخته شود. بابازار یا ماما زار این را به خانواده مرکب می گوید. خانواده شخص تسخیر شده که اغلب از فقرا و قشر محروم جامعه هستند در آغاز سفره کوچکی برای احضار باد می اندازند تا باد بیاید و بگوید که از مرکب خود چه می خواهد. مراسم باد زدایی از یک مرکب زن، اینطور اجرا می شود: زنان حاضر در جلسه که اغلب خود اهل هوا هستند، دو تکه چوب مستطیلی شکل و باریک را به هم می کوبند تا نوایی هماهنگ و ریتمیک اجرا شود. گروه نوازندگان ساز ضربی – دمام – نیز که گاهی خود اهل هوا هستند یا نوازندگان مخصوص مراسم زار یا گروهی نوازنده که به استخدام این مراسم در آمده اند، سازها را می نوازند. در این هنگام ماما زار، بخوری از گیاهان مخصوص که شامل تنباکو و گیاهان دارویی دیگر می شود، زیر چادر مرکب می گیرد. مرکب در میان جمع نشسته است و با نوای موسیقی تکان تکان می خورد. صورت او پیدا نیست. موسیقی که ریتمی یکنواخت دارد، اندک اندک، بلند و بلند تر و ریتم آن تند و تندتر می شود. در این لحظات است که در برخی از محافل چند تن از اهل هوا از خود بی خود می شوند و به اصطلاح، به وجد می آیند. اهل هوایی که به وجد آمده در حالت نشسته با نوای سازها به حرکات رقص ماندی می پردازد. در حالی که نشسته است روی زمین حرکت می کند و به سمت تک تک نوازنده های ساز می رود و اول، ساز و سپس شخص نوازنده را به احترام می بوسد. تمام این آیین در حالی انجام می شود که شخص به وجد آمده درحالتی رقص گونه حرکت می کند. شخص به وجد آمده که خود یکی از اهل هوا است، پس از ادای احترام به ساز و نوازنده، ماما زار را نیز می بوسد و بلند می شود. از یک یک حاضران جمع از جمله شخص مرکب خداحافظی می کند و از جمع خارج می شود. پس از آن در صورتی که هنوز شخص مرکب به وجد نیامده باشد، یعنی باد در او حاضر نشده باشد، ماما زار به وجد می آید و با حرکات ریتمیک به صورت نشسته یا ایستاده، تکان تکان می خورد. در حالی که یک نی خیزران در دست دارد و آن را تکان می دهد. موسیقی همچنان در اوج است که اندک اندک شخص مرکب نیز خود به وجد می آید. در این لحظه است که تکان های مرکب شدت پیدا می کند. همه با هیجان و شدت بیشتری، دو تکه چوب را به هم می زنند و نوای موسیقی محلی فضا را تسخیر می کند. مرکب تکان های شدیدی می خورد و ماما زار که در تمام این مدت از کنار او تکان نخورده است، همچنان او را با دود بخور می کند. مرکب اندک اندک به حرف می آید. این دیگر مرکب نیست که حرف می زند بلکه راکب یا سوار – همان باد یا زار – است که حرف می زند. زار یا باد بسته به این که کدام است، ممکن است به زبانهای فارسی، عربی، افریقایی یا سواحیلی حرف بزند. زارها و بادها ملیت های مختلفی دارند: عربی، افریقایی و ایرانی.

گاهی اوقات زارها به زبانی حرف می زنند که حتی مامازارها و بابا زارها هم آن زبان را نمی شناسند. ماما زار یا بابازار باید بتواند با هر سه این زبان ها با زار حرف بزند و تشخیص بدهد که کدام زار یا باد است که در بدن شخص حلول کرده است. وقتی که باد به بدن شخص دعوت شد و آمد، مامازار با او حرف می زند. از او می پرسد که کیست؟ در اینجا چه می کند؟ و از مرکب بیچاره چه می خواهد؟ و آیا قول می دهد که پس از برآورده کردن خواسته اش، دیگر به بدن مرکب نیاید و او را آزار ندهد؟ زار از دهان مرکب با صدای خودش و با زبان خودش حرف می زند. خواسته اش را که معمولاً یک روسری، یک گوشواره، یک انگوی طلا، خون بز یا یک سفره مفصل است، می گوید. ماما زار به او قول می دهد که خواسته اش را بر آورده کند، به این شرط که او هم دیگر مزاحم مرکب نشود. در صورتی که «باد» خون بز بخواهد، در همان هنگام بزی را قربانی می کنند و خورش را در کاسه ای ریخته به شخص مرکب که در آن هنگام حامل «باد» است، می دهند تا بخورد. اگر «باد»، رام و سر به راه باشد، پس از وعده اجرای این خواسته، شخص تسخیر شده را رها می کند و مرکب «باد» با چند تکان محکم از هوش می رود. و این به این معنی است که باد قانع شده و او را رها کرده است. گفته می شود که باد از کف پا بیرون می رود. اگر باد بدقلق باشد، باز هم به رفتار خود ادامه می دهد و مرکب همچنان تکان تکان می خورد و عکس العملی دال بر این که باد یا زار از او خارج شده است، نشان نمی دهد. گاهی پیش آمده است که باد از شخص تسخیر شده خارج نمی شود و برای همیشه در بدنش می ماند. در این مواقع شخص تسخیر شده مطرود جمع می شود و برای همیشه در حاشیه جمع زندگی می کند.

این مناسک، در هر منطقه دارای نکات ظریف متفاوتی است. مثلاً نوع موسیقی مراسم گواتی های بلوچ، با جاهای دیگر فرق می کند. نوع گیاهی هم که با آن شخص را دود خور می کنند، در هر منطقه ای متفاوت است. ماما زارها و بابا زارها برای باد زدایی، پول قابل توجهی از خانواده مرکب می گیرند. امروزه، مبلغی حدود ۴۰۰ هزار تومان دریافت می کنند که برای خانواده های فقیر، مبلغ قابل توجهی است. هزینه سفره هایی که برای باد زدایی انداخته می شود نیز، قابل توجه است. سفره های کوچک، حدود ۱۰۰ و سفره های بزرگ حدود ۴۰۰ هزار تومان. غذاهایی که در سفره ها گذاشته می شود، از بهترین نوع است. یکی از این غذاهای مرسوم، کباب گوشت بز است. شخص مرکب، پس از این که باد زدایی شد و به جرگه اهل هوا پیوست، از یک منزلت اجتماعی درون گروهی برخوردار می شود. بیشتر زن ها دچار تسخیر شدگی می شوند. مردم معتقدند اهل هوا باید نکاتی را رعایت کنند تا «باد» دیگر به سراغ آنها نرود یا کمتر به سراغ آنها برود. از جمله این نکات رعایت بهداشت، پوشیده لباس های تمیز، رد نکردن لنگه کفش از بالای سر و ... است.

اشخاص ثروتمند، تقریباً هیچ گاه دچار باد و زار نمی شوند. هرچند که در موارد نادری دیده شده است که شخص ثروتمندی هم به آن دچار شده است. در مواردی هم دیده شده است که پس از انداختن سفره و مراسم زار زدایی، شخص به وجد نمی آید. در این موقع ماما زار یا بابا زار مراسم را به هم می زنند و می گویند که شخص اصلاً دچار زار نیست و بهتر است به نزد دکتر یا حکیم برود. در اغلب موارد، ماما زار یا بابا زار اول به شخص می گوید که خود را به دکتر نشان بدهد و در صورتی که درمان نشد، به نزد آنها بیاید تا زار زدایی شود. بادهای مشهور در ایران، عبارتند از: «زار» که سیزده نوع است و همه کافرنند. «نوبان» که شخص را علیل و بی حرکت و افسرده می کند. «مشایخ» که یازده نوع است. آنها مسلمان و پاک اما پر خطرند و بیشتر در سواحل مسلمان نشین هستند. «پری» که دو نوع است. پری های کافر و پری های اهل حساب. «دیب» که بسیار خطرناک است و بیشتر از چهل گز قد دارد. «غول» که از دور شبیه شتری مست است و هر کسی که سر راهش قرار بگیرد، می میرد.

پس از توضیحات ساسان فاطمی درباره مراسم «زار» در جنوب ایران، در آخرین نشست این دوره انجمن انسان شناسی دانشگاه تهران، فیلم مستندی که یکی از دانشجویان ساسان فاطمی از مراسم زار تهیه کرده بود، به نمایش در آمد. دکتر ناصر فکوهی، انسان شناس و مدیر گروه انسان شناسی دانشگاه تهران، دکتر جلال الدین رفیع فر انسان شناس و مسئول انجمن انسان شناسی و کیومرثی مدیر مسئول هفته نامه زرتشتی «امرداد» در این نشست حضور داشتند. نشست های علمی این انجمن، از مهر ماه سال ۸۲ تا پایان خرداد ۸۳ از این قرار بود: نماد پردازی در معماری ایران، فرهنگ امریکایی پیش از کلمب، جغرافیای فرهنگی گیلان، قوم شناسی سیاسی ایران، چشم اندازهای انسان شناسی جنسیت در ایران، دانش بومی در معماری ایران و موسیقی و درمان سنتی در جنوب ایران.